



حیات علمی شیعیان

در



جبل عامل

در شماره گذشته با نفوذ تشیع در لبنان، فراز و نشیب تشیع در این سرزمین، اقتدار سیاسی و اجتماعی تشیع در قرن سوم هجری و علل شکوفایی تشیع در این سرزمین آشنا شدیم. اینک در این شماره، حیات علمی شیعیان در جبل عامل (یکی از مراکز تمرکز شیعیان در لبنان) مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد:

ادوار سه گانه تلاش‌های علمی شیعیان لبنان

تلاش‌های فکری و معرفتی دانشوران شیعه در منطقه جبل عامل به سه دوره منقسم می‌گردد:

نخستین دوره، از تأسیس مدرسه جزین توسط شهید اول آغاز می‌گردد و تا سال ۱۷۸۰م ادامه دارد. در این سال جنگ‌هایی که توسط «جزّار پاشا» به وجود آمد، باعث شد که

آشوب و بلوا منطقه را فرا گرفته، مدارس بسته و درس و بحث تعطیل گردد. این وضع همچنان ادامه داشت تا آن که بعد از این حاکم خونخوار،

سلیمان پاشا که مردی دوراندیش و اهل انصاف بود، در سال ۱۸۰۵م با زعمای انقلابیون شیعه منطقه جبل عامل و با حضور نماینده باب عالی، راغب افندی، معاهده صلحی را امضا کرد.^۱

نقش شهید اول

شمس الدین محمد بن مکی (۷۳۴ - ۷۸۶ هـ) شهید اول، شاگرد مدرسه حله، را باید بنیانگذار حوزه جبل عامل دانست. وی با تأکید بر نقش فقیه در عصر غیبت، حرکت جدیدی را در میان علمای شیعه لبنان بنیان نهاد که بعدها سرمشق محقق کرکی و علمای اصولی دیگر گردید. در زمان ایسن عالم نامدار (شهید اول) مرجعیت شیعه در جبل عامل پراکنده بود و مردم به مجتهدانی که در شهرها و روستاها حضور داشتند، رجوع می کردند اما با توجه به وسعت علمی شهید، قلمرو مرجعیتش گسترده شد.

تلاش عمده وی سازماندهی و ایجاد تشکّل در مرجعیت شیعه بود. نامبرده برای جمع آوری وجوه شرعی و نظارت بر موازین فقهی، وکلایی را به آبادی های شیعه نشین فرستاد و بدین ترتیب شبکه بزرگی را ایجاد کرد.^۲

همچنین وی به تشکیل یک نیروی مسلح دست زد و آن را در مبارزه بر ضدّ یک فرقه منحرف به کار گرفت.

در واقع شهید اول علاوه بر تمرکز مرجعیت و تعیین وکیل در مناطق شیعه نشین جبل عامل، فعالیت های سیاسی و اجتماعی خاصی را انجام داد و شهادتش بی ارتباط با این فعالیت ها نمی باشد. اگرچه او تحت فشار تعصبات مذهبی به فرقه شافعی تظاهر می کرد و مذاهب خمس را

۱. ساختار اجتماعی لبنان و آثار آن، ص ۴۶ - ۲۵.

۲. الهجرة العالمية الى ايران في عصر الصفوی، جعفر حبر، ص ۱۲۸، آراء في المرجعية الشيعية، مجموعة مقالات (بيروت، دارالروضة والنشر التوزيع، ۱۹۹۴م)، ص ۳۸۷ - ۳۸۶.

تدریس می نمود^۱.

شهید اول از برطرف نمودن مشکلات فقهی، اجتماعی و سیاسی مردم در حد توان غافل نبود و آنان را در هنگام ناگواری‌ها و فشارها مورد حمایت خویش قرار می داد به نحوی که خانه‌اش برای عموم شیعیان پناهگاهی بود و در منزل وی، مردم احساس امنیت می کردند. این بود که به ملجأ شیعه مشهور گشت^۲.

این فقیه فرزانه و محدث گرانمایه در معارف و علوم می که در حوزه‌های آن زمان متداول و مرسوم بود، تبخّری خاص داشت و حوزه درستی او از رونق و شهرت فوق العاده‌ای برخوردار گردید، شاگردان برجسته‌ای افتخار حضور در محضر مبارک این عالم ربانی را داشتند. علاوه بر فرزندانش رضی الدین ابوطالب محمد، ضیاء الدین ابوالقاسم علی، جمال الدین ابومنصور، دختر فاضلش اُم الحسن ملقب به ست

المشایخ و همسرش اُم علی را باید از شاگردان پرورش یافته در مکتب فقهی شهید، شیخ شرف الدین ابوعبدالله مقداد بن عبدالله مشهور به فاضل سیوری حلّی یا فاضل مقدادی (متوفی به سال ۸۲۶ هـ ق) نام برد که صاحب کتاب کنز العرفان فی فقه القرآن می باشد.

دیگر تربیت یافتگان مکتبش عبارتند از: سید بدرالدین حسن بن ایوب مشهور به ابن نجم الدین اعرجی حسینی که شهید اول او را از افضل متأخرین در علم و عمل دانسته است، شیخ شمس الدین محمد بن عبدالعالی کرکی عاملی، شیخ زین الدین ابوالحسن علی بن حسن

۱. مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران، مهدی فراهانی مفرد، ص ۷۵، به نقل از بحارالانوار، ج ۱۰۷، ص ۱۸۴، مهاجرت علمای جبل عامل به ایران، آلبرت حورانی، ترجمه مرتضی اسعدی - کیهان فرهنگی، سال سوم، شماره ۸، ص ۱۴.

۲. شهید اول، فقیه سریداران، محمد حسن امانی، ص ۴۹.

مشهور به خازنی، شیخ شمس الدین محمد بن نجده معروف به ابن نجده یا ابن عبدالعالی.

این عالمان تعداد کمی از شاگردان شهید بودند که از فضایل و مکارم وی بهره مند شدند. دانشمند محقق محمد رضا شمس الدین از نوادگان وی، سی و دو نفر از تربیت یافتگان مکتب فقهی شهید اول را ذکر کرده است.^۱

شهید اول در هر علمی که وارد می گردید، با بصیرت و دیدی ژرف و قلمی شیوا آن را ادیبانه و بیا منطقی محکم، مدوّن می نمود، بدین جهت آثار و نظریاتش مورد توجه، تقدیر و تکریم مشاهیر علمای اسلام قرار گرفته و نظریات فقهی او بر آرای دیگر علما تفوّق پیدا کرد و با وجود گذشت چندین قرن هنوز برخی تألیفاتش جزء کتب درسی حوزه های علمیه در جهان تشیع است.

میان سلطان علی بن مؤید قمی،

حکمران خراسان با همه دوری مسافتی که بین او و شهید اول وجود داشته، رابطه ای دوستانه و نامه نگاری برقرار بوده است، سلطان علی مؤید به عنوان آخرین حکمران سریداران خراسان در کمال عجز و التماس در نامه ای خطاب به شهید اول نوشته است:

«ای دارنده انواع فضائل، علوم و هنرها و سبقت جوینده از بزرگان دانش، ای وارث پیامبران و احیا کننده روش امامان، خورشید راستی و دیانت و الگوی دانشمندان ژرف نگر و پارسای پاک سرشت و علامه روزگار، به عرض آنجناب می رسانم اهل خراسان تشنه دیدار شمایند تا از دریای فضل و دانشتان بهره مند گردند. ما، در میان خودمان، فردی

۱. نک: امل الآمل، ج ۱، ص ۱۹۳ - علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۱۹۴ - خوانساری، روضات الجنات، ج ۷، ص ۸۰۷ - حیاة الإمام الشهید الأول، ص ۵۶.

شهید اول این متن محکم فقهی را در مدت چند روزی که پیک مخصوص سلطان علی بن مؤید در دمشق به سر می برد و در مدت هفت روز که در زندان منتظر نتیجه محاکمه اش بود، نگاشت و آن را به وسیله فرستاده حاکم خراسان به سبزواری ارسال داشت. بدین گونه آن عالم به خون خفته گرچه به دلیل شرایط آشفته سیاسی از رفتن به خراسان امتناع ورزید و موفق نشد نقش مؤثری در برقراری و تثبیت شیعه اثنی عشری در

این قلمرو ایفا کند، ولی کتابی را به رشته تحریر درآورد که از کتب با اهمیت فقه امامیه به شمار می رود و با تدریس آن در حوزه های علمیه، برکات و ثمرات ارزشمندی نصیب جامعه تشیع گردید که خود در تحولات اجتماعی و فکری شیعیان تأثیرگذار بود (نک: مقدمه کتاب «اللمعة

۱. متن این نامه در کتاب «حیة الإمام الشهدی الاول»، به قلم محمد رضا شمس الدین آمده است.

را که بتوان از او تقلید کرد و به فتوایش اعتماد نمود، نمی یابیم. از خداوند بزرگ می خواهیم که با آمدن شما به خراسان به ما افتخار دهد تا از علم و رهنمودهایتان محظوظ گردیم. ما از این نگرانیم که سرزمین ما بر اثر نداشتن رهبر، مشمول خشم خدا گردد، اگر لطف کنید و تشریف بیاورید، ما قدر شما را دانسته و مراتب حق شناسی را رعایت خواهیم کرد»^۱.

گرچه شهید اول این دعوت را بدون پاسخ نمی گذارد و جوابی که وی برای حاکم سریداران نوشته به دلیل حوادث آشفته ای که روی می دهد، از بین می رود ولی دعوت سریداران باعث می شود که شهید کتاب بسیار مشهور و پرمطلب «لمعه» را که یک دوره فقه عملی است، برای ارشاد و راهنمایی شیعیان خراسان در قلمرو حکومت سریداران، بنویسد.

الدمشقیّة»، ص ۲۴ - مفاخر اسلام، علی دوانی،
ج ۴، ص ۳۴۴ - ۳۴۵ - شهیدان راه فضیلت،
علامه امینی، ترجمه جلال الدین فارسی، ص
۱۵۸ - ۱۵۶ - نهضت روحانیون ایران، ج ۱)

با شهادت شمس الدین محمد بن
مکی در سال ۷۸۶ هـ ق و پایان دولت
سربرداری، کمی پس از کشته شدن وی
تجربه برقراری یک دولت شیعه اثنی
عشری در قلمرو وسیعی از شرق و
شمال شرقی ایران با ناکامی روبه‌رو
شد اما در کمتر از یک قرن بعد، شاه
اسماعیل صفوی این تلاش‌ها را جامعه
عمل پوشانید.

دوره دوم حیات علمی جبل
عامل از سال ۱۸۰۵ م - ۱۲۲۰ هـ
ق. آغاز می‌شود و تا پایان قرن
سیزدهم هجری مطابق ۱۸۸۱ م -
۱۲۹۹ هـ ق. ادامه می‌یابد. از علمای
این دوره می‌توان شیخ حسن قبیسی،
شیخ عبدالله بن نعمه الجبعی، سید
علی بن ابراهیم، شیخ محمد علی

عزالدین، شیخ علی بن محمد
السبتی، شیخ علی بن ناصر بن
زیدان، حمدالبک بن محمد بن
محمد و النصار الوائلی را نام برد.

دوره سوم یا به عبارتی دوره
جدید نهضت علمی شیعه از سال
۱۸۸۲ م - ۱۳۰۰ هـ ق. آغاز می‌شود.
در این دوره اولین مدرسه به سبک
جدید در نبطیه تأسیس گردید. در
سال ۱۸۹۲ م - ۱۳۱۰ هـ ق. سید
حسن یوسف الحسینی بعد از
مراجعت از عراق مدرسه «حمیدیه»
را بنا نهاد که ثمره آن دهها شاعر،
ادیب، نویسنده و خطیب بود.
اشخاصی چون احمد عارف الدین
مؤسس روزنامه جبل عامل و
بنیان‌گذار نشریه «العرفان»، استاد
محمد علی حومانی، شیخ حسین
مروه و... از تربیت‌یافتگان این دوره
هستند.

(ساختار اجتماعی لبنان و آثار آن، ص ۲۰)